

این خبر خوبی برای ترامپ نبود.

در حال حاضر ما به شنیدن چگونگی نجات ترامپ توسط خدا عادت کرده ایم. اما بازگشت او به باتلر، همان جایی که یک بار به جانش سوءقصد شد، با هدف تثبیت چهره او به عنوان یک قهرمان بود. بیلبوردهای اطراف شهر ترامپ را در نقش عیسی به تصویر می کشند؛ مردی که صلیب را در کنار بزرگراه با خود حمل می کند.

ترامپ در افتتاحیه تجمع گفت: «همانطور که گفتم ما دنیای بدی داریم. ما دنیای بسیار بیماری داریم. همه ما برای آمریکا گلوله خوردیم. با هم خونریزی کرده کردیم اما ایستادیم. من هرگز تسلیم نخواهم شد، حتی در برابر خود مرگ.» در ساعت ۶:۱۱ بعدازظهر، دقیقاً دوازده هفته مانده به لحظه ای که گلوله به گوش او اصابت کرد، و برای کوری کامپراتوره، مردی که در جمع کشته شده بود، یک دقیقه سکوت اعلام کرد و بعد از جمعیت خواست تا آهنگ «Ave Maria» را بخوانند. ترامپ در ادامه گفت که او آنقدر نگران دشمن بیرونی - روسیه، چین، کره

شمالی - نیست که در مورد یک دشمن درونی نگران است. کامالا الکلی است!»

کمی بعد ایلان ماسک روی صحنه به ترامپ ملحق شد، او در حالی که بالا و پایین می پرید و کلاه سیاه بیسبال MAGA بر سر داشت، خودنمایی می کرد. ماسک به جمعیت گفت: «آنها می خواهند حق رأی را از شما بگیرند. رای دهید، رای دهید، رای دهید.» هنگامی که همه مهمانان ویژه آمدند و رفتند، ترامپ سخنرانی معمول خود را آغاز کرد.

چند هفته بعد، ترامپ در کارولینای شمالی بود تا برای گروهی از کشیش ها سخنرانی کند. در این زمان، او به اصلاح نژادی فکر کرده بود و در مقابل تابلوهایی ایستاده بود که روی آن نوشته شده بود «آمریکای اشغالی». یک کشیش به من گفت: «اینجا محله خداست. کشیش ها باید برای کشور گام بردارند. ما چند ساعت فرصت داریم تا ورق را برگردانیم.» پرسیدم در انتخابات چه چیزی در خطر است؟ و او گفت: «اگر واقعاً دقت کنی همه چیز: نقش ما فقط گرفتن داستان هایی

# برای ایران بهتر است؟

مطرح کرده که می تواند بیان گر تفکر ترامپ باشد. او گفته اوکراین باید مناطق اشغال شده توسط روسیه را غیرنظامی کند و به توافق بی طرفی دائمی با روسیه دست یابد. این شرایط برای کی یف غیرقابل قبول خواهد بود، اما ترامپ به نظرات اوکراین اهمیت زیادی نداده و گفته زلنسکی هرگز نباید اجازه می داد که آن جنگ شروع شود و مقصر اول و آخر آن شخص زلنسکی است. با این توصیف به نظر می رسد پوتین و شی جین پینگ، تمایل بیشتری به انتخاب ترامپ و تعامل با او دارند تا هریس. حتی اروپا هم که خاطره خوبی از دوران راستی جمهوری ترامپ نداشت، به واسطه حمایت او و ارائه برنامه برای پایان دادن جنگ ابراز علاقه بیشتری به حضور او در شرایط سخت و شکننده جهان می کند. به نظر ترامپ با کسب تجربه از دور قبل ریاست جمهوری خود، این بار نه با شعار شدت عمل و قلع و قمع، بلکه با شعار مذاکره و گفت و گو و صلح و خاتمه جنگ به میدان آمده؛ این است که ورژن ۲۰۲۴ ترامپ را برای آمریکایی ها محبوب تر می کند. برخلاف دیدگاه بسیاری از تحلیل گران سیاسی و بین الملل داخل ایران که با برخی مواضع احزاب سیاسی هم سو است، به نظر می رسد زمینه ی حصول توافق بهتر، پایدارتر و جامعی برای منطقه، به ویژه ایران در آمریکای ترامپ وجود خواهد داشت. نتانیاهو خوب می داند که در صورتی حمایت ترامپ را خواهد داشت که تابع نظرات و اعمال کننده ی آن ها باشد، پس تحت هر شرایطی به پیش نویس مذاکرات جدید برای دستیابی به آتش بس و صلح در منطقه تن خواهد داد؛ کاری که هریس نه توان آن را دارد، نه قدرت تأثیرگذاری و نه حمایت داخلی لازم برای اجرای هر طرح جدیدی. نگرشی که در جهان در حال تغییر و شکل گیری است، نگرشی براساس گفته ها و شعارهای جمهوری خواهان حامی ترامپ است که از منطق بیشتری برای جهان پیشرو برخوردار است و تصویر روشن تری را پیش روی ملج طلبان و آسیب دیدگان جنگ های اخیر می گذارد. ضمن این ادعا، سخنان او درباره ی بهبود شرایط تجاری و اقتصادی جهان در صورت برقراری صلح پایدار و حفظ امنیت منطقه خاورمیانه است که به فرصت های جدید تجاری منجر خواهد شد. با این وصف به رغم اینکه سیاست های کلی ایالات متحده، همواره علیه کشورهای آزادی خواه و استقلال طلب بوده، اما شاید تجربه ناخوشایند دوران ریاست جمهوری قبیل او، کمک کند تا سیاست تعامل سازنده را در راستای احترام متقابل با کشورهای جهان در پیش گیرد.

از کتاب مقدس نیست. اگر انتخابات صادقانه باشد، ترامپ نباید شکست بخورد.»

در یکی از برنامه های ترامپ، مردی که کنار من ایستاده بود با اشاره به دموکرات ها گفت: «آنها شیطان هستند. از دموکرات ها متنفرم. البته نمی توانم با اطمینان بگویم که ترامپ یک مسیحی است. من واقعاً اهمیتی نمی دهم. من کارهای بسیار بدی انجام داده ام: کارهای خشونت آمیز، سرقت مسلحانه، سی سال زندان، فرار، آزادی مشروط، نقض آزادی مشروط به مدت پانزده سال. اما هیچ کاری نکردم جز اینکه سعی می کردم آزاد باشم.» او گفت که «ترامپ در امان نیست چون تهدید کرده بود که «باتلاق افسی آی و سی آی ای را خشک خواهد کرد.» آنها ما را خواهند کشت. آنها ارتش ایالات متحده را در سراسر کشور با مجریان قانون درگیر خواهند کرد. آنها به او اجازه نخواهند داد که برنده شود. ترامپ وقتی می گوید ما در حال مبارزه برای بقا هستیم، شوخی نمی کند. آیا او واقعاً فکر می کند که این نبرد نهایی است.»



++++  
++++

آشکار نزدیک تر خواهد کرد. شایان ذکر است که دولت ایران چهار سال سیاست «فشار حداکثری» دولت ترامپ را تحمل کرده و پیامدهای آن بسیار شدید بود. صادرات نفت ایران که زمانی منبع اصلی درآمد بود، به پایین ترین سطح تاریخی خود رسید. تحریم ها اقتصاد را فلج کردند و باعث کاهش قابل توجه ارزش پول ملی ایران شدند که در نتیجه آن، تورم و مشکلات اقتصادی گسترده ای بروز کرد. دولت تهران در مدیریت این بحران ها با چالش های جدی مواجه شد؛ زیرا منابع مالی کاهش یافت و ناآرامی های اجتماعی افزایش یافت. جنگ اقتصادی ترامپ زخم های عمیقی بر اقتصاد ایران وارد کرد و بازگشت به چنین سیاست هایی احتمالاً این چالش ها را تشدید خواهد کرد و دولت ایران را در موقعیتی حتی دشوارتر قرار خواهد داد. همچنین ضروری است که به اقدامات بی سابقه ای که دولت ترامپ انجام داد، همچون تروزر هدفمند سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس ایران، اشاره کنیم. این اقدام که جهان را شگفت زده کرد، تنش ها بین ایالات متحده و ایران را به اوج جدیدی رساند و برای اولین بار در حافظه تاریخی دولت، دو کشور در آستانه جنگ قرار گرفتند. تروزر سلیمانی یادآور ماهیت غیرقابل پیش بینی سیاست خارجی ترامپ است؛ موضوعی که ایران هرگز فراموش نکرده است. اگر ترامپ دوباره انتخاب شود، احتمال بروز چنین رویایی های دیگری وجود دارد که سایه آن بر روابط دو کشور باقی خواهد ماند.

گذشته، این دو کشور به سمت رویارویی نظامی مستقیم نزدیک تر شده و چندین خط قرمز را نیز رد کرده اند. نیروهای اسرائیلی و ایرانی در حملات تلافی جویانه شرکت کرده اند و خطر جنگ تمام عیار بر منطقه سایه افکنده است. بنابراین، اهمیت این انتخابات بیشتر شده است، زیرا سیاست های رئیس جمهور بعدی ایالات متحده می تواند این وضعیت انفجاری را تشدید یا کاهش دهد. بازگشت به موضع نهایی ترامپ ممکن است منجر به تشدید درگیری شود، در حالی که رویکرد دیپلماتیک تر می تواند فرصت هایی برای کاهش تنش ها فراهم کند. دولت فعلی باید - هریس رویکردی متعادل تر در مورد درگیری ایران و اسرائیل اتخاذ کرده و تلاش کرده است تا از تشدید بیشتر این تنش ها جلوگیری کند. به عنوان مثال، کاخ سفید از احتیاط در مورد اقدامات نظامی اسرائیل، به ویژه در ارتباط با سایت های هسته ای ایران، حمایت کرده است. این دولت به نظر می رسد که بر دیپلماسی به عنوان ابزاری کلیدی برای حل این مسائل تأکید دارد، که در تضاد با لحن تند و جنگ طلبانه دوران ترامپ است. با این حال، اگر ترامپ دوباره به ریاست جمهوری برسد، احتمال اتخاذ موضعی سخت گیرانه تر بسیار بالا است. او اخیراً حمایت خود را از حملات اسرائیل به تأسیسات هسته ای ایران اعلام کرده و این نشان می دهد که یک دولت دوم ترامپ احتمالاً فشارها بر تهران را افزایش خواهد داد و منطقه را به سمت درگیری

نفوذ منطقه ای، بر روی بخش انرژی حیاتی ایران بود. سیاست ترامپ همچنین کشورها و شرکت هایی را که به تحریم های تحمیل شده از سوی ایالات متحده بر ایران بایبند نبودند، هدف قرار داد و تهران را بیشتر در صحنه جهانی منزوی کرد. در چارچوب این رویکرد، اقتصاد آسیب پذیر ایران احتمالاً به شدت آسیب خواهد دید و افق آینده آن را تیره و تار خواهد کرد. از سوی دیگر، کامالا هریس، به عنوان نامزد ریاست جمهوری دموکرات، انتظار می رود که به ادامه سیاست های دولت بایدن بپردازد که بر دیپلماسی به جای رویارویی تأکید دارد. دولت بایدن در تعاملات خود با ایران احتیاط نشان داده و در تلاش است تا پل های دیپلماتیک را بازسازی کند، و هریس احتمالاً همین رویه را دنبال خواهد کرد. در مورد برنامه هسته ای ایران، هریس احتمالاً به دنبال بازگشت به برجام، توافق هسته ای خواهد بود که ترامپ به طور مشهور آن را کنار گذاشت. یک دولت تحت رهبری هریس به دنبال بازگرداندن ایران به رعایت مفاد توافق هسته ای خواهد بود و ممکن است در ازای نظرات بیشتر بر فعالیت های هسته ای اش، تسهیل هایی در تحریم ها ارائه دهد. این رویکرد به طور چشمگیری با سیاست های رویارویی ترامپ در تضاد است. همچنین مهم است که به تلاش بندی انتخابات پیش روی ایالات متحده اشاره کنیم که در لحظه ای حساس برگزار می شود؛ زمانی که تنش ها بین ایران و اسرائیل به اوج بی سابقه ای رسیده است. در طول سال

## سیاستمداران



### ترامپ از هریس بهتر است

سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل متحد گفت در انتخابات آتی به «دونالد ترامپ» رأی خواهد داد، زیرا گرچه او هم اشکالاتی دارد، اما نسبت به «کامالا هریس» گزینه بسیار مطلوب تری است. «نیک هیلی» در مقاله ای در روزنامه «وال استریت ژورنال» از «دونالد ترامپ» نامزد جمهوری خواه این انتخابات حمایت کرد. هیلی با بیان اینکه بسیاری از آمریکایی ها از ترامپ متنفر هستند و بسیاری او را می ستایند، به دسته سومی اشاره کرد که برخی از اقدامات و سیاست های ترامپ را قبول دارند، اما لحن او را نمی پسندند و نمی توانند از رفتارهای افراطی اش مانند مواضعش در ژانویه ۲۰۲۱، چشم پوشی کنند.

## ادامه از صفحه اول

این اتفاق مشخصاً هنگامی رخ می دهد که ناآرامی دستگاه دولت سبب انباشت بحران و نوبیدی توده مردم از عقل به عنوان ابزاری برای غلبه بر آن بحران ها شود. ضعف و ناآرامی نظام دموکراتیک جمهوری وایمار در دهه ۲۰ قرن گذشته در آلمان که سبب به خود قدرت رسیدن نازی ها از طریق صندوق رأی شد، خود نمونه روشنی از این روند خطرناک است. در حال حاضر، قاعدتاً نه نهادهای دولتی آمریکا چندان ضعیف و ناآرامند، نه انباشت بحران در جامعه آنها صورت گرفته است و نه دونالد ترامپ را می توان با خیال راحت «فاشویست» نامید. با این حال، ترامپ در شان نشستن در رأس یک نظام دموکراتیک نیست زیرا در جهت تضعیف نهادهای حافظ دموکراسی تلاش می کند و آنچه را که بن میانه ثبات جامعه آمریکاست، مورد تاخت و تاز قرار می دهد. او به خصوص اصل اساسی و مایه پایداری دموکراسی یعنی پذیرش شکست در انتخابات را به چالش کشیده است. با این همه او مورد تحسین و اقبال نیمی از مردم آمریکاست. یک دوره مقیم کاخ سفید بوده است و باز هم احتمال بازگشت او به آن جایگاه وجود دارد. این وضعیت نمی تواند بی دلیل یا دارای دلایل سطحی باشد. قاعدتاً مشکلی در جامعه آمریکا وجود دارد که چنین محصولی به بار آورده است. می توان خستگی از «جرعه نخبان رسمی» و «جریان اصلی» و تمایل به ایجاد چالش در برابر آنان را یکی از دلایل اقبال نیمی از جمعیت آمریکا به ترامپ دانست، اما به نظر می رسد که این مشکل اصلی نیست.

اگر بتوان از راه دور قضاوت کرد، به نظرم نوعی نگرانی شدید از آینده، بسیاری از مردم آمریکا را به سمت ترامپ کشانده است. این نگرانی لزوماً بی ثباتی های روانی ناشی از ترویج نوعی لیبرالیسم گل و گشاد و احساس بی هویتی مربوط به سنت سستی بی انتها نیست، چراکه یک محافظه کار معقول و متین هم می تواند نماینده ای برای مقابله با این قبیل نگرانی ها باشد. مسئله به نظرم بیشتر مربوط به دامن زدن بی وقفه لیبرال ها و رسانه های تحت اختیار آنها به بلاهای قریب الوقوع به خصوص در حوزه محیط زیست است. بحث هایی چون گرم شدن کره زمین و بلاهای هولناک مرتب بر آن چون بالا آمدن آب دریاها و آتش گرفتن جنگل ها و تشدید توفندهای اقیانوسی، وقتی که راه حل سهل الوصولی برای آن وجود نداشته باشد، یک بشر عادی را سخت نگران آینده خود و کره زمین می کند. چنین بشری ظرفیت روانی و ذهنی لازم برای مواجهه با این حجم از بلاهای ترسناک را ندارد، از همین رویکی از مکانیسم های امنیت روانی، پس زن و انکار اصل ماجراست. در بین سیاستمداران آمریکا، ترامپ کسی است که نه فقط مسئله گرم شدن زمین را انکار می کند بلکه آن را به سخره می گیرد و عمده مشکلات را غیر قانونی» که بر خود با آنها سیاستی دم دستی است، تقلیل می دهد. شنیدن چنین انکار و تمسخری از یک طرف و ارائه راه حلی آسان از طرف دیگر از طرف سیاستمداری که در سطح ریاست جمهوری نقش بازی می کند، برای بسیاری از مردم دلگرم کننده است و آنان را از ترس های درون شان رها می سازد. فردی که به هر وسیله ای شهروندان را از ترس های درون شان نجات دهد، شایسته برگزیدن برای رهبری است حال اگر عیوب دیگری هم داشته باشد، در مقابل این «حسن بزرگ» رنگ می باز!

آدمی زاد چندان هم مشتاق رویه رو شدن با حقیقت نیست؛ به خصوص وقتی حقیقت بیش از ظرفیت روانی او تلخ و ناگوار باشد. ترامپ این اصل مهم را دریافته و بر اساس آن جاذبه ای برای خود پدید آورده است. هر حال او در شرایط کنونی تهدیدی علیه دموکراسی آمریکایی محسوب نمی شود، اما چالشی در مقابل آن است. البته به شرطی که به کاخ ریاست جمهوری راه یابد. اگر او موفق به ورود به کاخ سفید نشود، پرونده سیاسی اش را باید مختومه به حساب آورد؛ گرچه با ادامه مشکلی که به آن اشاره شد، باز تولید نمونه ای چون او برای انتخابات های آینده آمریکادور از انتظار نیست.